

هياهوى انتخابات پارلمانى افغانستان يا تزویر دگری از استعمار و ارتجاع

1- پیشگفتار :

اندیشه انتخاب شدن و انتخاب کردن از ازمنه دور در جوامع بشری وجود داشته که در حدود خانواده، قوم، محل، صنف و غیره تطبیق می شده است. کنه این اندیشه را انتخاب افراد توانمند در یک نهاد، تشکل و یا یک کشور مستقل و آزاد بخاطر حل مُعضلات صنفی و اجتماعی می ساخت که در واقع تلاشی بود برای استفاده از نیروی افراد ورزیده، هوشیار، توانا و نخبه های جامعه برای راهنمایی کتله های بشری در امور زندگانی. این اندیشه به صورت مدرن آن زمانی در پیکر دولتها رخنه کرد که در قرن 17 ملاکان بزرگ، اشراف و روحانیون پرقدرت انگلیس خواستند، منافع خود را از طریق شرکت در دولت مطلقه انگلستان قانونی بسازند. این دولت که در تصادم خونین با اشراف، ملاکان و روحانیون قرار گرفته بود، ناگزیر از آن شد تا در امور مالی و مالیاتی از طریق ایجاد پارلمان و انتخابات شرکت آنها را در قدرت دولتی میسر گرداند. به این صورت اولین نطفه ها در روند انتخابات و پارلمان گذاشته شد که با گذشت زمان شکل و شمایل دگری به خود گرفت و سر انجام با تشدید مبارزات طبقاتی در کشورهای صنعتی نهاد پارلمان در قبضه بورژوازی افتیده و آهسته آهسته از روحیه اولی و رزمندگی آن تهی گردیده و به اجزایی در ید قدرت جوانب مختلف سرمایه داری استحاله شد. چنانکه در اضلاع متحده امریکا، انتخابات بین دو حزب یعنی جمهوری خواهان و دیموکراتها که دو جناح سرمایه اند، صورت میگیرد و سائر احزاب و اقشار جامعه در آن نقشی ندارند. بنابراین سیاست های اجتماعی، اقتصادی و نظامی اضلاع متحده امریکا کما کان پا بر جا می ماند، صرف نظر از آنکه کدام یک ازین دو حزب به قدرت تکیه زده باشد. چنانکه جنگ افغانستان که به دست بوش دوم آغاز گردید، نه تنها با همان قساوت زمان او در دوران اوبا ادامه می یابد، بلکه بر شدت آن نیز افزوده شده است و این نتیجه سیاست دوامدار امریکاست.

کشورهای صنعتی و استعماری ازین نهاد بمنظور توسعه و تعمیق منافع خویش استفاده سوء فراوان کردند. چنانکه استعمار شرق و غرب با درک اهمیت انتخابات در امر فریبکاری و دغلبازی این ابزار را بکار گرفتند، تا ادارات مستعمراتی را قانونیت بخشند. بطور مثال استعمار انگلیس در قرن 19 شاه شجاع را پادشاه حقیقی و وارث سلطنت تیمور شاه پسر احمد شاه بابا که بر مبنای انتخاب مردم افغانستان به قدرت رسیده بود، موجه نشان میداد. به همین صورت در پایان قرن 20 استعمار روس دولت پوشالی خلق و پرچم را صبغه انتخاب مردم داده و از طریق انتخابات پارلمانی که بدست خویش و بطور ساختگی صورت میگرفت و طرفداران استعمار روس در آن نهاد تجمع میکردند، آن دولت را قانونی جلوه می داد. همچنان امپریالیزم امریکا با نصب کردن نوری الملکی در عراق و باند کرزی بر قدرت دولتی در افغانستان، این نوکران خویش را زمامداران دولت های منتخب مردم می داند. و این در حالیست که این دولتها اعم از زمامداران و پارلمانهای نام نهاد آنها از مردم فاصله های زیاد داشته، پیوسته مطابق امیال استعمار و بر ضد منافع مردم خود عمل می کنند. امپریالیزم می کوشد که هر چند گاهی خاینان کشور را زیر نامهای مختلف مانند "لویه جرگه اضطراری"، "لویه جرگه قانون اساسی"، "جرگه مشورتی صلح"، "انتخابات پارلمانی" و غیره جمع کند، تا از یک جانب دیموکراسی قلابی را بنمایش مردم گذاشته، آنها را بفریبید و از جانب دیگر حلقه های زنجیر استعماری را بگستراند و استحکام بخشد.

2- مرام استعمار و ارتجاع :

و اما سؤال در اینجاست که منظور امریکا و شرکانش و ارتجاع افغانستان از این همه هياهو چیست و چرا مردم را با صدای طبل میان تهی انتخابات پارلمانی به کجراه می برند. پر واضح است که امریکا میخواهد از یک جانب برای مردم افغانستان و از جانب دگر برای مردم جهان نشان دهد که گویا امریکا در پی اشاعه دیموکراسی می باشد و هر آنکه گوش بفرمان امریکا باشد، ازین نعمت اجتماعی بیدریغ برخوردار میگردد. در حالیکه امریکا عملاً از مستبدترین دولتهای ضد دیموکراسی در سطح جهان پشتیبانی کرده که مثالهای آنها در کشور های حوزه خلیج، کشورهای امریکای لاتین، افریقا و غیره بخوبی میتوان دید مانند دولت پینوچه در چیلی، رضا شاه در ایران، مبارک در مصر، فردیناند مارکوس در فلپین، نیتانیهو در اسرائیل و ده های دگر. امریکا در افغانستان نیز از چنین جنایتی دریغ نکرده، جانی ترین افراد را بر شانه های مردم افغانستان سوار کرد، مانند جنگ سالارانی چون سیاف، ربانی، قانونی، فهیم، خلیلی، محقق، دوستم و وطنفروشانانی چون گلاب زوی، علومی، رنجبر و غیره که عده زیاد آنها در پارلمان استعماری حضور به هم رسانیده اند. علاوه بر این، دو نفر جنایتکار مشهور مانند قسیم فهیم و کریم خلیلی را

در عقب غلام حلقه بگوش خود آقای کرزی توظیف نموده تا در صورت دهن کجی کرزی یکی از آنها را به نوکری بردارد. امریکا در نظر دارد که اهداف خود را در افغانستان حتی المقدور از مسیر به اصطلاح قانونی از طریق پارلمان بدست آورد. علاوه برین افراد دلخواه و نوکران زرخرید خود را ازین مجرا به کرسی های بلند اداره مستعمراتی نشانده و فعل و انفعالات جنایتکارانه خود را از طریق پارلمان به تأیید می رساند. چنانکه تا حال مهمترین میدانهای هوایی ولایات افغانستان را به حیث پایگاههای دایمی نظامی خود در اختیار گرفته و از خاکهای افغانی بر مردم افغانستان میتازد و همه روزه مردم این کشور را زیر نامهای مختلف می کشد و حضور خود را در افغانستان از طریق پارلمان و نوکران خود قانونی و مطابق به فیصله ملل متحد جلوه می دهد. امریکا در نظر دارد که بخاطر کاهش تلفات خود جنگ را به اصطلاح "افغانی" بسازد یعنی افغان را بالای افغان بکشد. ازین لحاظ است که قوتهای ملیشه و اربکی میسازد و حتی طرح تجزیه افغانستان را رویدست گرفته است. امریکا همه این جنایات را از طریق دولتمردان دولت پوشالی کرزی که همه به نوعی با پارلمان سر و کار دارند انجام می دهد.

و این در حالیست که پارلمان که خود را بدروغ مظهر اراده ملت می پندارد، نه تنها جرأت ابراز نظر را ندارد، بلکه چنان در مزدوری غرق است که حتی بخاطر این همه افغان کشی اعتراضی نمی کند، چه رسد به آنکه گامی در راه خواست مردم بگذارد. واقعیتها نشان می دهند که در کشورهایی که پایگاه نظامی قدرتهای بیگانه اعمار گردیده، حاکمیت ملی به سرعت رخت بر بسته و زمینه برای حکومتهای ضد مردمی و دست نشانده آماده گردیده و صحنه برای استفاده جویان استعمار بطور مثال برای ارتجاع به حیلۀ امپریالیزم آماده می گردد. در این میانه ارتجاع هار مذهبی که برای فریب مردم پیوسته سنگ اسلامخواهی و اسلام پناهی به سینه میزند، گوش به فرمان امریکا بوده و در عبودیت امریکا و سائر اجنبیها به پولهای گزاف دست یافته است. ازینرو این ارتجاع مذهبی در خدمت امپریالیزم و استعمار قرار گرفته و در همکاری با آن عشو می فروشد. به این منظور اکثریت مرتجعین مذهبی که شاید بیشتر از 90 درصد اعضای پارلمان را تشکیل دهند، توسط امریکا و اداره کرزی نشانی گردیده و توسط پول، تقلب و زور به پارلمان آورده شدند و باز هم آورده می شوند، تا مهر تأیید به اهداف امریکا بگذارند. به یقین که این کار در انتخابات پارلمانی سال 2010 نیز صورت می گیرد.

بر همگان واضح است که تعداد زیاد اعضای به اصطلاح انتخابی پارلمان افغانستان نه تنها به تولید مواد مخدره و داد و ستد آن ارتباط دارند، بلکه خود قاچاقبران مواد مخدر بوده و به گروههای جنایت کار مربوط اند. جم غفیری از اینها قوماندانان گروههای مسلح و خرابکار و خونریز بوده به اتهام جنایات جنگی و تخلفات حقوق بشر متهم میباشند و با اشغالگران همکاری میکنند. پس سؤال در اینجاست که چرا این چنین جنایتکاران به عوض آنکه در پای میز محاکمه کشانیده شوند، به پارلمان آورده می شوند. جواب بسیار ساده است، برای اینکه استعمار اهداف خود را توسط همین جنایتکاران، مزدوران و ارتجاع مذهبی بدست می آورد و در ازای آن آنها را به مال و منال میرساند. سیاسیان امریکا بدین باورند که امریکا نه دوستان دائمی دارد و نه هم دشمنان دائمی، بلکه منافع دائمی دارد. در افغانستان همین جنایتکاران، ارتجاع و روشنفکران خود فروخته از منافع امریکا و هم پالگان آن صداقتمندانه دفاع می نمایند.

روشن است که سر تا پای دولت پوشالی کرزی در مزدوری و مزدورمنشی کشور های اشغالگر ملوث است و دست دراز سازمانهای جاسوسی امریکا و انگلیس و کشور های منطقه تا گلوی افراد بلند پایه این دولت میرسد، با آنها اینک امریکا خود پرده از روی معاشخواران سازمان جاسوسی خود یعنی سی، ای، ای (سیا) بر می دارد. چنانکه سرویس فارسی بی بی سی در نشرات مؤرخ 27 اگست چنین خبر داد: "واشنگتن پست در شماره امروز خود (27 اگست 2010) نوشته است که سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، سیا، به شمار قابل ملاحظه ای از کارمندان کاخ ریاست جمهوری افغانستان مخفیانه پول می دهد. این روزنامه از قول یک مقام آمریکایی نوشته است که نیمی از کسانی که در کاخ ریاست جمهوری کار می کنند در فهرست حقوق بگیران سیا هستند، از این میان عده ای به صورت منظم حقوق می گیرند و با عده دیگر رابطه های غیر رسمی تری وجود دارد، صرفاً در این حد که سیا مطمئن باشد هر موقعی که بخواهد به آنها و اطلاعاتشان دسترسی خواهد داشت."

همچنین بی بی سی از قول وال استریت ژورنال می نویسد که: "رابطه حامد کرزی با کاخ سفید در ماه های گذشته بعد از میانجیگری رئیس دفتر سیا در کابل، بهبود یافته است. وال استریت ژورنال همچنین نوشته است که رئیس دفتر سیا در کابل پیوسته به حامد کرزی دسترسی دارد."

با آنکه این دو روزنامه خبر می دهند که در گام نخست منسوبین و متعلقین ریاست امنیت ملی معاشخواران سیا بوده و آقای کرزی صرف نام یکی از آنها را که آقای ضیا صالحی باشد می گیرد. لاکن این آغاز درامه است و شمه از خیات و وطنفروشی منسوبان و دولتمردان اداره مستعمراتی کرزی را نشان می دهد. قابل توجه است که افرادی ازین متعلقین ریاست امنیت ملی از سالهای دهه 1980 معاشخوار سیا بوده اند. پس واضح میگردد که چرا این معاشخواران سیا اشغالگران و متجاوزان بر خاک و ناموس افغانستان را که تا حال ده ها هزار افغان را به شهادت رسانیده و مملکت را در همکاری با طالبان تا پرتگاه سقوط برده اند، "دوستان بین المللی" شان قلمداد نموده و آنها را "مهمان" میخوانند. این روشنفکران وطنفروش و کاتب جنگسالاران و ثنا خوانان استعمار و اجنبیان فقط جاده صاف کن استعمار و متجاوزان اند و در عین و عمق وطنفروشی خود شان را "میهن پرست" میدانند. و این کاریست که خلقیها و پرچمیها در جریان تجاوز روسها در افغانستان نیز می کردند و این مرام استعمار است. معهدا این وطنفروشان در اوج روسیاهی از خوان استعمار طلاق شدند.

3- اهداف کانديد ها در پارلمان :

بنا بر غلغله و هياهوئي که امپرياليزم، ارتجاع و دولت مزدور افغانستان از طريق مطبوعات و دستگاههاي خبر رسانی و تبليغات فراوان براه انداخته اند، عده زيادي خود را کانديد انتخابات پارلماني نموده و ظاهراً مبارزات انتخاباتي را براه انداخته اند. کانديدها را ميتوان به صورت عموم به سه گروه تقسيم کرد :

- گروه اول شامل جنگسالاران، ناقضان حقوق بشر، و طنفروشان دوره گرد، روحانيون و طنفروش و جنايتکاراني مي گردد که در دوره قبلي نيز در پارلمان غنوده و به ساز اجنبي ميرقصيدند. اين گروه که شامل بخش عظيم وکلاء مي گردد، به صورت عموم بي سواد بوده، از سياست، اقتصاد و مسائل اجتماعي اصلاً آگاه نبوده، براي کسب امتياز و سازش و کرنش و چانه زني با دولت وارد پارلمان ميگردند.
- گروه دومي شامل تکنوکراتها و بيروکراتهاي مي شود که انقياد را پذيرفته و صرف تعويض مهره ها را مي طلبند و بر اين تصور باطل اند که گويا از طريق اشتراک در پارلمان مقدرات جامعه افغاني را در زير سايه استعمار و در حالت اشغال کشور به طور مثبت رقم مي زنند. دوره گذشته پارلمان اين خيال باطل را به اثبات رسانده و نشان داد که اين پارلمان استعماري جز آله بي جاني در دست اشغالگران و دولت دست نشانده چيز دگري نيست.
- گروه سومي عبارت از يک عده محدود و بسيار معدود از عناصر پاک و شريفي اند که از ديدن واقعيتهاي عيني جامعه عاجز بوده بدین پندار واهي اند که با اشتراک در پارلمان به افشاء گري پرداخته و بر حکومت گويا فشار وارد مي نمايند. حوادثي که در دوره قبلي در پارلمان اتفاق افتيد، سقم اين خيال را نيز به اثبات رسانيد.

حساب دو گروه اول معلوم است و ارزش آنرا ندارد که در مورد آنها بحث صورت بگيرد. لاکن در خصوص گروه سوم بايد نوشت که آنها نمي خواهند يا شايد هم نميتوانند واقعيات را ببيند. ورنه تمامی حرکات و سکنات اين دولت مزدور در طول نه سال گذشته نه تنها از جانب مردم افغانستان در جريان مظاهرات، مصاحبات، در نشرات تلويزيونها، مطبوعات، سايتهاي انترنتي، بلکه حتی از طرف حاميان بين المللي آنها آفتابي گرديده است. زد و بند هاي سياسي بين احزاب، جنگسالاران، اعضاي حکومت و پارلمان مخصوصاً در تعيين و کسب رأي معلوم همه مردم ميباشد. لذا در چنين اوضاع و احوال فکر خدمت به مردم از طريق پارلمان خيال واهي بيشتر نيست. آلودگي دولت پوشالي افغانستان را حتی رئيس اين دولت به زبان خود بيان مي کند. چنانکه حامد کرزي رئيس جمهور دولت دست نشانده افغانستان در نومبر 2007 در کنفرانس ملي! شوراي انکشافی روستاهای افغانستان سخنرانی کرد که متن اين سخنرانی از طريق تلويزيونها پخش گرديد. او گفت :

« دولتمردان افغانستان در خانه های مجلل زندگی می کنند و کسی حساب پول آنها را ندارد، در حالی که مردم همچنان فقير هستند و هيچ کسی هم توجهی به آنها ندارد... جامعه جهانی به افغانستان آمد تا تغييری در زندگی مردم اين کشور ايجاد کند، اما تنها دولتمردان از اين حضور سود بردند و پول، مقام، آسایش و قدرت نصيب آنها شد... سرمايه ها يا به دست اعضاي حکومت است و يا به دست اعضاي شورا. يک عده آن قدر پولدار شده که حساب پول شان معلوم نيست، در هر مملکت خانه دارند. بچه های شان در خارج درس می خوانند. در حالیکه بچه های که در حادثه بغلان به شهادت رسيدند، چپک به پا داشتند... N.G.O. ها خرابی میکنند، ديگران خرابی میکنند، ما از بمبگذاری گله داريم... کرزي چنين ادامه می دهد : " من در پاکستان خواب بودم و دولتمردان اين جا و آنجا در کشورهای ديگر، ما در سايه بی 52 به وطن بر گشتيم. » حامد کرزي بارها خودش از غلامی خود، جنگسالاران، دولتمردان و بسياری از اعضاي حکومت، ولسی جرگه و مشرانو جرگه ياد کرده که همه در زير حمايت مستقيم استعمار قرار دارند و اينک نام عده ای از معاشخواران افغاني سبا از لست طويل سازمان جاسوسي امريکا افشاء گرديده. پس وقتی قضيه تا اين حد روشن است، اشتراک در يک پارلمان مستعمراتی چه را افشاء می کند و احياناً اين افشاء گري چه دردی را دوا می کند؟ همه می دانند که اهداف وکلاء را کاسبکاري، زراندوزی و اشتراک در قدرت اداره مستعمراتی ميسازد. در خصوص استدلال گروه سوم مبنی بر وارد کردن فشار بر حکومت توجه خوانندگان گرامي را به دو مثال زير جلب می نمايم :

- با آنکه کمسيون به اصطلاح حقوق بشر در افغانستان يک نهاد تجملی و نمايشيست با آنهم اين نهاد با يک پرسش عمومي دريافت که بيشتر از 70 در صد جامعه افغانستان طرفدار محاکمه جنايتکاران جنگی و ناقضان حقوق بشر اند. در نتیجه اين همه پرسى جنايتکاران خلقی - پرچمی و اخواني و غيره در پارلمان فيصله کردند که اينها از پيگرد قانونی و محاکمه معاف اند. آنگاه عده ای در پارلمان و خارج از آن قيل و قال فراوان در سطح افغانستان و جهان براه انداختند، گويا اينکه بر دولت کرزي فشار می آورند. نتیجه آن شد که کرزي اين فيصله را قبول کرده و به جنايت قانونيت بخشيد. واقعييت از اين قرار است که اين دولتمردان و جنايتکاران در خدمت کشورهای اجنبي قرار داشته و اين کشورها در افغانستان نفوذ فراوان دارند و به نوکران خویش معاش می دهند. لذا اشتراک در پارلمان اداره مستعمراتی دردی را دوا نکرده و در حقيقت امر گذاشتن نيرو در جای غلط است که نتیجه به بار نمی آورد. لذا بهتر است از طريق مبارزات بی امان و راستين در راه استرداد استقلال و تأمين حاکميت سياسي کشور

کوشید تا آوردن فشار دروغین و بی ثمر بر حکومت. برای پیروزی مبارزات و وارد کردن فشار ضرور نیست که به پارلمان خزید، بلکه به پای مردم باید شتافت که زور مردم هر فرعون را از اورنگ به زمین می کشد.

- قراریکه آقای داکتر رمضان بشر دوست که در پروگرام تلویزیون "آریانا افغانستان" به تاریخ 7 فیبروری 2009 با خانم سجه مصاحبه می کرد، یادآور شد که در جریان کشمکش بین پارلمان و حکومت در مورد سلب اعتماد وزیر خارجه سابق دولت دست نشانده، آقای کرزی برای هر وکیل ولسی جرگه ده هزار دالر از بیت المال بخشش کرد تا آنها به افتضاح آن استیضاح پایان دهند. بدین ترتیب وکلاء به هدف شان که پول باشد رسیدند و دامنه آن افتضاح را کوتاه کردند. سر و صدای عده معدودی از وکلاء به شمول آقای بشر دوست به جایی نکشید، زیرا این خواست سی ای ای بود که بایست چنان می شد. دهها مثال دگر در این مورد وجود دارد که خوانندگان گرامی از آن اطلاع دارند و یادآوری مزید آن ضرور نیست. لذا آنانیکه بدین باورند که گویا از طریق پارلمان بر حکومت فشار وارد میکنند، این ادعای شان جز خود فریبی نمیتواند چیز دگر باشد.

تا جائیکه لست کاندیدها در این شب و روز نشان می دهد، اکثری کاندیدهای پارلمان را جنایتکارانی می سازند که خون هزاران افغان را به گردن دارند، مانند سیاف، محقق، ربانی، قانونی، علومی، گلاب زوی، تنی و غیره. این کاندیدها هوای تصاحب اراده مردم افغانستان را زیر قیمومیت امریکا در سر می پروراند. تعدادی دگر که اصلاً چانس برندگی هم ندارند و خود نیز بر این موضوع واقفند، بخاطر شهرت طلبی، نفع اقتصادی و معامله گری دست به این کار زده اند. این موضوع باعث آن گردیده که تعدادی از پولپرستان با تظاهر به داعیه افغانستان به تجارت دست بزنند و این چیز است که اجنبیها و دولت دست نشانده آنها می خواهند تا دیموکراسی قلابی خود را به نمایش بگذارند. در حالی که در هیچ کشور جهان چنین مضحکه ای تا حال دیده نشده است، که آدمکشان حرفوی و دزدان دارائی های عامه به مراجع قانونگذاری راه یابند. لذا با موجودیت یک شورای جنگ سالاری و پر از انسان کشان حرفه ئی و عده ای از خائنان ملی که جز زراندوزی و زورگویی و معامله گری هدف دگری ندارند، امکانات اصل حاکمیت قوانین مسلماً مجال تطبیق نمی یابند. صرف نظر از آنکه در یک کشور اشغالی قوانین زیر کنترل قدرت های استعماری طرح و تدوین می گردند و با منافع ملت که مشخصه یک کشور آزاد است، سازگار نمیباشند.

4 - عکس العمل مردم :

و اما مردم افغانستان در طول سالهای گذشته دیدند که :

- از چنین پارلمان اداره مستعمراتی نه تنها هیچ چیزی به سود مردم افغانستان تراوش نکرد، بلکه با مزدورمنشی این پارلمان و ترندهای فراوان آن به حکومت چطور زیر بناهای اقتصادی مملکت یکی پشت دگر تخریب گردید و کشور قدم به قدم به یک وابستگی غلیظ اقتصادی، سیاسی و نظامی در افتاد.
- مردم دیدند که وکلاء برای دسترس یافتن به منافع خود چطور با استعمار و اجنبیها در هر گوش و کنار سازش کردند و در همکاری با دلالان داخلی و خارجی مقدرات مملکت را بدست آنها سپردند.
- خلایق دیدند که این باصطلاح نمایندگان مردم از ترس موکلین خود یک دلگی بادیگارد با خود میگردانند، معاشهای گزاف می گیرند و خوابهای سنگین خود را در پارلمان پوره می کنند و دارائی ملت را چور و غارت میکنند.
- مردم دیدند که چطور قوم پرستان پشتون و غرجستانی در بین پارلمان از جنگ بین کوچیهای پشتون و ساکنان غرجستانی در سال 2009 و 2010 در بهسود، دایمرداد، حومه دارالامان و دشت برچی استفاده کرده در یک جنگ نیابتی کشور را به کجراه برده و وحدت ملی را ضربه می زنند. از زخمهایی که سیاف به نمایندگی از عربستان سعودی و حزب وحدت چون خلیلی و محقق و شورای نظار به نیابت از دولت آخوندی ایران و حزب اسلامی گلبدین به نمایندگی از دولت پاکستان و دوستم به طرفداری روسها در دهه 1990 بر شهر کابل بر اجساد مردم و بر پیکر وحدت ملی کشور وارد آوردند، هنوز خون می چکد. این شعبده بازان که در پارلمان مستعمراتی غنوده اند و یا هوای غنودن در آن را دارند، به خیانتهای خود صبغه قومی و منطقه ئی داده و جنگ را هنوز تشدید می کنند و بر زخمهای مردم کشور نمک می پاشند. بنابراین قابل فهم است که در جریان مبارزات انتخاباتی، مردم پوسترها و عکس های این خائنان ملی را به مجرد نصب کردن، پاره پاره کرده و یا به روی آنها مرداری مالیند که به حق سزاوار آند. مردم معتقد اند که تقلب در انتخابات حتمیست و نوکران استعمار در گذشته و حال امتحان خوبی در مزدوری، معامله گری، سازشکاری و گذشت از منافع ملی برای خارجیها مخصوصاً برای امریکا و انگلستان و کشور های منطقه داده اند. بنابراین این همه هیاهو و قیل و قال و مصارف گزاف، مانور سیاسیست که کشورهای متجاوز در همکاری با ارتجاع راه اندازی کرده اند و کاری به کار مردم ندارد.

5 - نتیجه و دورنمای انتخابات :

انتخابات افغانستان که در ظاهر یکی از موضوعات مهم شمرده می شود، در واقع تلاش است برای تحکیم پایه های یک اداره مستعمراتی زیر قیمومیت امپریالیزم امریکا و شرکاء. از اینروست که استعمار می کوشد با براه انداختن تبلیغات و سر و صدای گسترده و بی سابقه و با بکارگیری مطبوعات متعارف و برقی و مصارف گزاف به جهانیان

چنان وانمود کند که گویا افغانستان یک کشور مستقل است و اینک مشق دیموکراسی می کند. در حالیکه انتخابات در اوضاع و احوالی برگزار میگردد که مملکت در اشغال تمام عیار قوای خارجی زیر فرمان امریکا و ناتو قرار دارد. علاوه بر این مأمورین بلند پایه، وزراء و مشاورین حکومت افغانستان معاشخواران سیا بوده و همه حرکات دولت دست نشانده زیر نظارت سازمان های جاسوسی امریکا و انگلیس و کشور های منطقه صورت می گیرد. استقلال، آزادی و حاکمیت ملی وجود نداشته، جنگ، بمبارد، حملات انتحاری، گرسنگی، فقر، بیکاری، نقض حقوق بشر، مافیای مواد مخدر، زمینخواران، جنایتکاران که تعداد شان به هزاران میرسد، فساد اداری که سر تا پای دولت دست نشانده را فرا گرفته و هزاران مصیبت دیگر بیداد می کنند و مردم افغانستان را به جان رسانده اند. بخش عظیمی از کشور زیر کنترل قوای سیاه طالبی قرار دارد که زیر فرمان مستقیم پاکستان و به مشوره قوای متجاوز عمل می کنند و هر روز دهها نفر بر اثر جنگ ناتو و امریکا و طالبان کشته می شوند. به این ترتیب نه شرایط عینی و نه هم شرایط ذهنی برای انتخابات پارلمانی مساعد است، گذشته از آن که در یک کشور اشغالی طرح انتخابات چیزی جز خود فریبی و مردم فریبی نیست. انتخابات مسایل قومی، زبانی و منطقه ئی را به صورت گسترده دامن زده و به وحدت ملی کشور صدمات کاری رسانیده است و در جریان آن عده ای کشته خواهند شد.

بنابران اشتراک در همچو نهادهای یک اداره مستعمراتی در واقعیت امر فعالیت در جهت تطبیق مرام متجاوزان و استعمار میباشد. مردم افغانستان در گام اول در صدد استرداد استقلال و تأمین حاکمیت سیاسی و تأمین امنیت اند، تا تعویض مهره های اجنبی در پارلمان یک کشور اشغالی. علاوه بر این، مردم در جریان انتخابات پارلمانی قبلی و انتخابات ریاست جمهوری و طی سالهای گذشته دیدند که چگونه تقلب، ارباب، زورگویی و اکراه در آن موج می زد. لذا این همه هیاهو و قیل و قال در انتخابات پارلمانی نه تنها هیچ گرهی از هیچ مشکلی نخواهد گشود، بلکه مشکل عظیم دگر خواهد زانید.

اگر عناصر ملی و آزادیخواه در یک مبارزه بی امان دست بدست هم ندهند، معاشخواران سیا و خائنان ملی مملکت را گام به گام به پرتگاه نیستی تا سرحد تجزیه و نابودی خواهند کشاند. لذا مکلفیت افراد ملی و آزادیخواه نه در تحکیم این مناسبات استعماری، بلکه در زدودن این افسون سیاسیست تا هر چه زودتر پروسه میرندگی این دولت پوشالی و استعمار که دیرپست آغاز گردیده، تسریع گردد. آزادیخواهان کشور در زدودن استعمار بار ها بنابر اعتقاد خلل نا پذیر بر این گفته موالانا ببیدل که :

جـامه آزادی آسان نیست بر خود دوختن سرو را زین آرزو در جمله اعضا سوزن است

جانهای شیرین خود را در محراب آزادی کشور قربان کردند. لذا هیاهوی انتخابات پارلمانی افغانستان که تزویر دگری از امپریالیسم و ارتجاع است، نباید عناصر ملی و آزادیخواه را افسون رؤیای رنگین استعمار سازد.

پایان